

## راهبردهای دفاعی - امنیتی روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و تغییر و تحولات آن پس از ۲۰۰۳

عطا بهرامی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۴/۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۵/۲۴

صفحات مقاله: ۸۱-۱۰۳

### چکیده

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ که با یکجانبه گرایی ایالات متحده و نادیده گرفته شورای امنیت همراه بود نتایج گسترده‌ای را بر قدرت های جهانی بر جای گذاشت. در محدوده کشورهای روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز این واکنش به شکل متنوعی روی داده و یا در حال وقوع است. روسیه که دومین قدرت نظامی پس از ایالات متحده است به شدت احساس تهدید کرده و درصدد افزایش توان نظامی خود است. اگر چه این کشور از گرفتار شدن در یک رقابت تسلیحاتی بیمناک است و تا آنجا که بتواند از آن حذر می کند اما با پیشروی ایالات متحده به سور مرزهای این کشور چه در آسیای مرکزی و چه در قفقاز از این رقابت ناگزیر است. در قفقازی جمهوری آذربایجان و گرجستان با حرکت به سمت آمریکا بازسازی نیروهای نظامی خود را با شیوه آمریکایی پیگیری می کنند و ارمنستان، سیاست نزدیکی به روسیه را برگزیده است. در آسیای مرکزی، پنج کشور این منطقه نشانه ای دال بر در پیش گرفتن سیاست نظامی خاصی از خود بروز نداده اند و ضعف اقتصادی آنها مانع از در پیش گرفتن چنین سیاستی می شود. آنها در شرایطی که خود را در بین

۱ - کارشناس ارشد روابط بین الملل.

بازی قدرت های بزرگ جهانی (چین، روسیه و آمریکا) می بینند، درصدد بهره گیری از اوضاع پیش آمده برای بهبود اوضاع اقتصادی خود هستند و عدم تغییر راهبرد نظامی آنها، نه به دلیل عدم درک لزوم تغییر راهبرد نظامی بلکه به دلیل نداشتن توان اقتصادی کافی است.

\* \* \* \* \*

## کلید واژگان

آسیای مرکزی، قفقاز، روسیه، تسلیحات نظامی

## پیشینه پژوهش

ساموئل هانتینگتون معتقد است که سلطه آمریکا بر اوراسیا برای آن کشور امری حیاتی به شمار می رود زیرا با تحقق این امر است که آمریکا می تواند نقش اقتصادی و نفوذ بین المللی خود را حفظ کند و در غیر این صورت با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و امنیتی داخلی و خارجی روبه رو خواهد بود. به عبارت دیگر، هرگاه آمریکا بخواهد به نقش جهانی خود ادامه دهد، باید در اوراسیا نقش برتر داشته باشد. اما لازمه حفظ برتری سنتی آمریکا در اوراسیا آن است که موازنه قوا در آنجا حفظ گردد و از ظهور قدرت یا قدرت هایی که بتوانند بر سیاست آمریکا تأثیر نهند، جلوگیری شود. این سیاست درازمدت و مستمر خواهد بود. سیاست آمریکا در اوراسیا را در سه بخش قابل بررسی است. بخش غربی، با تأکید بر آثار امنیتی گسترش ناتو به سوی شرق، و تقویت اتحادیه اورپا؛ بخش مرکزی یا میانی، با نگرش به آثار حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق با توجه به پیمان های امنیتی آمریکا با ژاپن و کره جنوبی. هانتینگتون به حفره های امنیتی موجود در منطقه و ناپایداری حکومت های منطقه اشاره ای نمی کند که نشان می دهد آمریکا به سختی می تواند متحدان راهبردی در منطقه بیابد. تحلیل هانتینگتون نزدیک ترین تحلیل به واقعیت گذشته است بویژه اینکه او تحلیل خود را در سال ۱۹۹۳ ارائه داده است. در تحلیل وی در نیافتن متحدان راهبردی اشتباهاتی رخ داده است زیرا این کشور توانست هند را به متحد راهبردی خود تبدیل نماید.

## مقدمه

در این مقاله منظور از کشورهای روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، مجموعه‌ای است شامل کشورهای روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، که منطقه‌ای از شرقی‌ترین نقطه آسیا، در مجاورت اقیانوس آرام تا شرقی‌ترین ناحیه اروپا (اوراسیا)، یعنی گرجستان را شامل می‌شود.

۱۱ سپتامبر و واکنش شدید نظامی ایالات متحده به آن و در ادامه، حمله به عراق به بهانه سلاح‌های کشتار جمعی و همکاری صدام با القاعده، در بستر یکجانبه‌گرایی اتفاق افتاد که باعث وحشت کشورهای دیگر از جمله قدرت‌های جهانی مانند روسیه شد. روسیه و کشورهایمانند همسایگانش که از تنش این کشور با آمریکا متأثر می‌شدند مخارج نظامی خود را پس از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ افزایش دادند تا حدی که به روشنی می‌توان نشانه‌های رقابت تسلیحاتی را در مناسبات آمریکا و روسیه یافت.

هنگامی که قدرت برتری مانند ایالات متحده با استفاده از توانمندی‌های نظامی خود دیگران را نشانه می‌گیرد و به یکجانبه‌گرایی روی می‌آورد نخستین واکنش‌ها از طرف قدرت‌های بزرگ روی می‌دهد و کشورهای ذره‌ای و کوچک هرگز واکنش نشان نمی‌دهند زیرا در هر ترتیبات امنیتی، جایگاه ویژه‌ای نخواهند یافت و آمدوشد قدرت‌ها تأثیری بر اوضاع امنیتی آن‌ها ندارد و در هر شرایطی ناگزیرند که خود را با قدرت‌های دیگر انطباق دهند. روسیه به دلیل آنکه بزرگ‌ترین قدرت نظامی پس از ایالات متحده است ناگزیر بزرگ‌ترین واکنش را نشان خواهد داد. از آنجا که مجموعه فوق سه‌گانه را دربرمی‌گیرد، در این مقاله به صورت سه‌واحد مجزا تحلیل می‌شوند.

## روسیه

راهبرد نظامی روسیه پس از جنگ سرد دوره‌ای طولانی از رکود و سردرگمی

را شاهد بوده است. این سردرگمی به دو عامل باز می‌گردد. نخست به اوضاع آشفته سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها پس از جنگ سرد که امکان هرگونه برنامه‌ریزی کلان را از این کشور سلب کرده بود و دوم، سردرگمی آنها در رویارویی با تغییرات شدیدی که در دنیای پس از جنگ سرد در حال روی دادن بود.

به جرأت می‌توان گفت روسیه در هیچ مورد قابل اعتنایی در برخورد با ایالات متحده مخالفتی از خود بروز نداد. پس از روی کار آمدن پوتین که با افزایش قیمت‌های نفت خام نیز همراه بود و تا حدی آلام اقتصادی این کشور را التیام بخشید روسیه به تدریج سیاست‌هایی علیه نفوذ رو به گسترش ایالات متحده از خود بروز داد اما این روند در سال ۲۰۰۱ منقطع شد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، روس‌ها نشان دادند که با ایالات متحده همراه هستند و اقدامات زیادی را به صورت همکاری نظامی و اجازه به ایالات متحده در ورود به آسیای مرکزی با این کشور عملیاتی کردند. این همکاری تنها مدت زمان اندکی پس از امضای موافقتنامه دوستی با چین روی می‌داد که باعث ترس چینی‌ها شد.

این همراهی کوتاه مدت روسیه با منطق روشنی قابل تحلیل نیست زیرا ایالات متحده از فروپاشی شوروی به این سو هرگز در تضعیف هرچه بیشتر روسیه تردید به خود راه نداده است. آنها به‌رغم اینکه وعده دادند کشورهای سابق عضو سازمان پیمان ورشو<sup>۱</sup> را به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)<sup>۲</sup> وارد نخواهند کرد اما آنها را یکایک به این سازمان وارد ساختند.

بررسی تحولات منطقه نشان می‌دهد که فشار آمریکا بر روسیه ابتدا در شرق اروپا و سپس در آسیای مرکزی متمرکز شده است. با عضویت کشورهای اروپای شرقی در ناتو و اتحادیه اروپا ضمانت محکمی برای عدم امکان نفوذ مجدد روسیه بر آنها به وجود می‌آید که نمی‌توان آن را سیاستی صرفاً دفاعی، مثلاً از

1 - Warsaw Treaty Organization

2 - North Atlantic Treaty Organisation(NATO)

جنس سد نفوذ<sup>۱</sup> زمان جنگ سرد دانست. این سیاست تهاجمی است و نفوذ به سمت مرزهای روسیه را در پیش گرفته است که جنگ قفقاز و دفاع تمام قد کشورهای غربی از گرجستان نمونه تمام عیار این سیاست است.

نتیجه این تحولات بر سیاست‌های دفاعی روسیه خود را نشان داد. این کشور از یک طرف به افزایش توانمندی‌ها دفاعی خود اهتمام می‌ورزد و از طرف دیگر به تقویت متحدان راهبردی خود توجه دارد که در رأس آن‌ها باید به چین اشاره کرد. در این جهت، همکاری نظامی دو طرف افزایش چشمگیری داشته است که به آن‌ها اشاره خواهد شد. روس‌ها پایه‌گذار سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۲</sup> نیز هستند که در واقع جمع‌آوری برخی از متحدان پیشین است. روس‌ها به عقب ماندگی صنایع نظامی خود واقف‌اند و به دنبال بازسازی آن هستند. تأکید بر فناوری برتر به جای تکیه بر کمیت که در دوران جنگ سرد در مرکز سیاست‌های نظامی روسیه قرار داشت، در دستور کار این کشور قرار گرفته است. دکترین نظامی روسیه از سال ۲۰۰۳ بر یک سیاست دفاعی مبتنی بر توسعه کیفی صنایع نظامی قرار گرفته است. به همین دلیل در آن بر توسعه تسلیحات پدافندی با توانایی‌های برتر که قابلیت رقابت با تسلیحات نظامی آمریکایی را داشته باشد، تأکید شده است.

در این مقاله، ابتدا سیاست‌های نظامی روسیه در دو بعد سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای، و غیرهسته‌ای بررسی شده و سپس سیاست همکاری نظامی این کشور در تعامل با متحد اصلی آن یعنی چین و پیمان امنیت جمعی مورد مطالعه قرار گرفته است.

---

1 - Containment

2 - Collective Security Treaty Organization (CSTO)

### سیاست روسیه در مورد سلاح‌های گستر جمع‌ی

نیکلای بوردیژولا، دبیر کل سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۱</sup> گفت: سیاست روسیه در گسترش چتر هسته‌ای این کشور بر فراز سایر کشورهای عضو پیمان است. (Stratfor. Russia) این کشور از این پیمان امنیت جمعی دفاع می‌کند. این سیاست برای مقابله با هرگونه تهاجم اتخاذ شده و تأکیدی بر دفاعی بودن پیمان است. روسیه می‌خواهد از توانمندی‌های هسته‌ای خود برای گردآوری متحدانی که به هر نحوی با این کشور منافع مشترک دارند استفاده نماید و این چیزی نیست جز گسترش پیمان به حوزه‌های جدید. دکترین هسته‌ای روسیه نیز پس از مدت‌ها رهاشدگی، مورد تجدید نظر قرار گرفت.

سرانجام در سال ۲۰۰۷، بوردیژولا اعلام کرد که ایران نیز می‌تواند به پیمان امنیت دسته‌جمعی بپیوندد. ایران ابزاری برای روسیه برای چانه‌زنی‌هاست تا یک متحد طبیعی، مانند منافع بنیادینی که دیگر اعضای پیمان امنیت دسته‌جمعی برای روسیه دارند. چه ایران برای روسیه اهمیت بنیادین و راهبردی داشته باشد یا نداشته باشد، توانایی بودن به عنوان وسیله‌ای برای آزار دادن غرب را داراست. (همان)

پیوستن ایران به سازمانی که قرار است زیر چتر اتمی روسیه باشد از جهات زیادی قابل توجه است. این مطالب گویای این است که روسیه از سلاح‌های هسته‌ای اش انتظاراتی گسترده دارد. همچنین نشان می‌دهد که روسیه همچنان به استفاده از توانمندی‌های هسته‌ای خود به عنوان مهم‌ترین ابزار چشم‌دوخته است. آن‌ها دریافته‌اند که باید با تغییرات همگام باشند و از سلاح‌های قدیمی و بی‌کیفیت خود دست بکشند. این کشور نسبت به تعهدی که برای از بین بردن سلاح‌های شیمیایی‌اش داده بود پایبند بود و در سال ۲۰۰۷، ۲۰ درصد از آن‌ها را نابود کرد، این رقم برای سال بعد به ۲۵ درصد رسید. آن‌ها اعلام کردند که تا سال ۲۰۱۲ تمام آن‌ها را از بین خواهد برد.

1 - Collective Security Treaty Organization (CSTO).

این در سال ۲۰۰۲ بین کشورهای روسیه، بلاروس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان تشکیل شد.

به دلیل افزایش قابل توجه کیفیت سلاح‌های آمریکایی، این کشور نیز به سمت کاستن از کمیت و افزایش کیفیت سلاح‌هایش حرکت کرده است.

### سیاست روسیه درباره سلاح‌های متعارف

در مورد سلاح‌های متعارف، روس‌ها تلاش زیادی برای مدرن کردن آن‌ها در پیش گرفته‌اند. دلیل اصلی این اقدام به کهنه بودن سلاح‌های این کشور نسبت به ایالات متحده رقیب استراتژیک آن باز می‌گردد که باعث عقب افتادن روسیه در رقابت با ایالات متحده شده است. این کشور در دوره جنگ سرد سرانجام توانست با آمریکا به یک موازنه تسلیحاتی دست یابد.

ژانرال ولادیمیر پوپوکین گفت که روسیه قصد دارد تولید سلاح‌های هدایت شونده خود را افزایش دهد. پوپوکین به ریانووستی گفت: سلاح‌های هدایت شونده ویژگی جنگ‌های امروزی هستند. جنگ گرجستان در اگوست ۲۰۰۸ اهمیت این سلاح‌ها را نشان داد. تمرکز بر سلاح‌هایی با قابلیت استفاده در فضا برای ارتش بسیار با ارزش است. (Novosti, 2009)

تمرکز بر سلاح‌های مدرن هزینه‌های زیادی را می‌طلبد که روس‌ها باید خود را برای پرداختن آن آماده کنند. این تغییرات به تمام حوزه‌های ارتش و قوای مختلف آن مربوط می‌شود و در واقع یک بازسازی همه‌جانبه است. روسیه برنامه‌هایی برای تجهیز نیروی هوایی به جنگنده سوخو ۱۳۷ دارد که توانایی‌های زیادی دارد و در بسیاری از شبیه‌سازی‌های نظامی نشان داده است که می‌تواند با اف ۲۲‌های آمریکایی برابری کند.

ولادیمیر پوتین نخست وزیر و رهبر حزب حاکم روسیه واحد، در یازدهمین کنگره سراسری این حزب در شهر سنت پترزبورگ اعلام کرد: دولت روسیه در سال آینده یک تریلیون و ۱۷۵ میلیارد روبل (۴۰ میلیارد و ۵۰۰ میلیون

1 - Su.37

2 - F.22

دلار) برای ارتش خود تسلیحات خریداری می‌کند.

پوتین در این کنگره گفت: این رقم خرید تسلیحات نسبت به سال جاری میلادی، ۵/۸ درصد رشد خواهد داشت. ارتش روسیه به تانک‌های جدید و نیز نفربرهای زرهی جدید از نوع «بی.ام.پی-۳» که در نیژونی تاگیل ساخته می‌شود، مجهز خواهد شد. در سال ۲۰۱۶ دست کم ۸۰ درصد موشک‌های راهبردی روسیه از انواع جدید و پیشرفته خواهد بود. (خبرگزاری جمهوری اسلامی: ۸۲۲۹۰)

ژنرال الکساندر پوستینکف گفت که روسیه باید تعداد تانک‌های خود را از ۲۰۰۰ به نصف تعداد کنونی کاهش دهد. معنای این اصلاحات نظامی، چالش برای روسیه است، اما با دکتترین جدید نظامی که دمتری مدودیف به اجرا گذاشته است، شاهد تغییرات وسیعی در برنامه‌ها نظامی روسیه خواهیم بود. در اوج جنگ سرد ۵۰۰۰۰ تانک در خدمت ارتش شوروی و کشورهای عضو پیمان ورشو بود. روسیه می‌خواهد تانک‌های مدرن T-۹۰ را در ارتش جایگزین تانک‌های قدیمی نماید. آن‌ها در هر صورت به دنبال کوچک کردن اندازه تانک‌ها و کاهش نقش آن‌ها در ارتش هستند. (Stratfor, Russia, 2010)

به دنبال ایجاد تغییراتی برای افزایش کارایی ارتش، کاسته شدن از نقش نیروی زمینی که همواره محور بوده است، یکی از راهبردهای عمده روسیه برای بازسازی نیروی نظامی این کشور خواهد بود. در گذشته حتی نیروی هوایی نیز باید خود را با فرماندهانی که در روی زمین مستقر بودند تطبیق می‌داد. این امر باعث کاهش کارایی نیروی هوایی روسیه و محدود شدن خلبانان آن شده بود اما پس از پیروزی قاطع نیروی هوایی آمریکا در عراق آن‌ها برای افزایش توان مقابله نیروی هوایی خود اختیارات خلبانان را افزایش داده‌اند تا بتوانند با آمریکایی‌ها برابری نمایند.

راهبرد دیگر روسیه برای افزایش قابلیت‌های دفاعی این کشور کمک به ارتقای قدرت نظامی چین به دلیل منافع استراتژیک دو طرف علیه دشمن مشترک یعنی ایالات متحده است که باعث فروش سلاح‌های مدرن روسی به چین در جهت افزایش توان امنیتی این کشور شده است.



### فروش سلاح های مدرن به چین

دو کشور چین و روسیه به رغم مشکلاتی که در آسیای مرکزی دارند دارای مزیت های زیادی هستند. مدل توسعه چینی می تواند دست کم به عنوان مدلی موفق برای توسعه اقتصادی عمل نماید. این کشور در اصلاحات از یک نظام بسیار بسته به نظامی که در آن به آرامی آزادی هایی به مردم داده می شود در حال حرکت است. این الگو برای کشورهای آسیای مرکزی جذابیت دارد. تهدید بزرگ آمریکا باعث نزدیک شدن دو طرف شده و مناسبات نظامی آن ها را افزایش داده است.

در جولای سال ۲۰۰۵، اسلام کریم اف، رئیس جمهور ازبکستان، از ایالات متحده خواست که نیروهایش در خان آباد را طی ۱۸۰ روز از این منطقه خارج نماید. یک ماه زودتر وی در دیدار با ولادیمیر پوتین توافقنامه ای درباره کمک های نظامی روسیه به این کشور به امضا رسانیده بود که در آن روسیه تعهد کرده بود نیروهای خود را در مواقع اضطراری برای کمک به این کشور گسیل دارد. این مورد و موارد دیگر نشان می دهد که مسکو و پکن به دنبال حذف حضور ایالات متحده در آسیای مرکزی پس از شوروی، دست کم در حوزه نظامی هستند. (Larin, Alexander)

واقعیت نفوذ روسیه را در آسیای مرکزی نباید نادیده گرفت بویژه اینکه ایالات متحده تلاش کرده است با استفاده از انقلاب های رنگی حاکمان این کشورها را تغییر دهد و این مسئله ای است که حاکمان این کشورها در برابر آن مقاومت خواهند کرد. ریشه اتحاد استراتژیک دو کشور را باید به اوایل دوران پس از جنگ سرد و پس از تحریم تسلیحاتی کنگره آمریکا علیه چین پس از حادثه میدان تیان آن من جستجو کرد.

این نقطه عطفی در بحران هویتی آنهاست که چین و روسیه در سپتامبر ۱۹۹۴ شراکت استراتژیک را بنا نهادند. در سال ۱۹۹۶ کلمه استراتژیک جای خود

را به سازنده در شراکت دو کشور داد و یوگنی پریماکف،<sup>۱</sup> جای آندر کوزیروف<sup>۲</sup> غرب گرا را به عنوان وزیر خارجه گرفت. این دو تغییر تنها نشان دهنده پیشرفت در روابط چین - روسیه نبود بلکه نشان دهنده چرخش نگاه دو کشور از غرب نیز بود. (Turner, Susan)

چینی‌ها نیز با سرعت کمتری با روسیه همداستان بودند. پس از آنکه نیروهای ناتو سفارت چین در کوزوو را در سال ۱۹۹۹ مورد حمله قرار دادند، این کشور نظام دفاع موشکی ملی را با روسیه عملیاتی کرد و از امضای پیمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای<sup>۳</sup> سر باز زد. در سال ۲۰۰۱، دو کشور پیمان حسن همجواری، دوستی و همکاری را امضا کردند، این پیمان بیست ساله این‌گونه توصیف شد: پیمانی برای ساختن دنیای نو. (Ibid)

مدت زیادی از پیمان دوستی دو طرف در سال آگوست ۲۰۰۱ نگذشته بود که چین ۴۰ فروند جت جنگنده سوخو ۴۳۰<sup>۴</sup> را از روسیه خریداری کرد. در همان سال چین ۱۶۸ فروند موشک و سکوی پرتاب موشک شامل موشک‌های دوربرد با سیستم ضد موشک<sup>۵</sup> به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار از روسیه خریداری کرد. در سال بعد، چین دو طرح مربوط به بمب‌های تخریبی<sup>۶</sup> و همچنین هشت طرح مزبور به خرید کشتی‌های جنگی از روسیه را نهایی نمود. در سال ۲۰۰۳ چین توانست ۲۴ فروند سوخو ۷۳۰<sup>۷</sup> اضافی را از روسیه خریداری نماید. طبق کنوانسیون‌های

1 - Evgeny Pimakov

2 - Andrei Kuzirev

3 - Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty (CTBT)

4 - SU.30MKK

5 - Su.300PMU.2s

6 - 956 EM

7 - Su.30MMKs

تسلیماتی سازمان ملل، صادرات محصولات نظامی روسیه به چین در فاصله سال‌ها ۲۰۰۷ - ۲۰۰۱، شامل ۳۸۵۷ فروند موشک و سامانه پرتاب موشکی ۹۰، فروند کشتی جنگی و ۱۲۴ فروند هواپیما بوده است. پوتین بر این نکته تأکید داشت که توانایی‌های دفاعی چین برای یک دنیای چند قطبی دارای اهمیت زیادی است. چینی‌ها از مدرن کردن تسلیحات خود دفاع می‌کنند و آن را طبیعی و در راستای بهبود مرسوم توانایی‌های نظامی هر کشور ارزیابی می‌نمایند. چینی‌ها همچنین تأکید دارند که مخارج نظامی آن‌ها باید در مقایسه با دیگر قدرت‌های نظامی جهانی ارزیابی شود. برآورد سال ۲۰۰۵ گروه «رند» نشان می‌دهد حداکثر هزینه‌هایی که چین بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۵ صرف خواهد کرد تنها ۴۹۰ میلیارد دلار خواهد بود. (Ibid)

نکته مهمی که درباره میزان مخارج نظامی چین وجود دارد و نباید از آن غفلت نمود این است که چین، به دلیل پایین بودن هزینه پرسنل آن در قیاس با آمریکا (با در نظر گرفتن درآمد سرانه دو کشور)، به عدد ۱۱۷ خواهد رسید (دستمزد پرسنل نظامی آمریکا ۱۱۷ برابر چین است)، نسبت کار بسیار بیشتری می‌تواند انجام دهد. نکته مهم و قابل توجه دیگر این است که برای چین غیر از روسیه فروشنده سلاح دیگری وجود ندارد و در واقع روسیه انحصار فروش سلاح‌های پیشرفته به این کشور را در دست دارد و با وجود این سلاح‌های مدرن در اختیار آن قرار می‌دهد. بنابراین اهمیت قراردادهای دو طرف بسیار بیشتر از چیزی است که در ابتدا به نظر می‌آید.

### قفقاز

در منطقه قفقاز، سه کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان قرار دارند که سیاست نظامی آن‌ها پس از سال ۲۰۰۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## گرجستان

گرجستان از ابتدای استقلال تاکنون سیاست خود را در نزدیکی با غرب تعریف کرده است. به همین دلیل در حوزه نظامی نیز از بالاترین درجه همکاری با غرب برخوردار است. مناسبات با آمریکا برای بازسازی ارتش در اولویت نخست این کشور قرار گرفت. آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۸ سیاست خود برای بازسازی ارتش گرجستان را اعلام کردند. ژنرال جان کراداک فرمانده ارتش آمریکا در اروپا گفت: ایالات متحده به گرجستان کمک می‌کند تا ارتش خود را بازسازی کند زیرا این کشور شریک ما در جنگ علیه ترور است. (Stratfor. United States) جنگ علیه ترور بهانه آمریکا برای در پیش گرفتن رویکرد یکجانبه‌گرا بود که در سال ۲۰۰۳ به اوج رسید.

از ابتدای شکل‌گیری گرجستان، این کشور تلاش خود را برای نزدیکی به غرب آغاز کرده بود اما پس از یازده سپتامبر که جرج بوش سیاست خود برای نبرد با تروریسم را آغاز کرد، نقش گرجستان اهمیت بیشتری یافت و پس از انقلاب گل‌رز<sup>۱</sup> و به قدرت رسیدن میخائیل ساآکاشویلی<sup>۲</sup> گرایش به سمت غرب به شدت افزایش یافت. ارتش گرجستان در سال ۲۰۰۸ با سلاح‌های آمریکایی به خود جرأت داد به روسیه حمله کند. تا پیش از این ترکیب سلاح‌های این کشور در نیروهای هوایی و زمینی روسی بود که شامل ۶ فروند انواع سوخو<sup>۳</sup> ۲۵ و تانک‌های روسی بسیار قدیمی تی-۵۴<sup>۴</sup>، ۲۳ دستگاه تی-۵۵<sup>۵</sup> و ۱۰۲ دستگاه تی-۷۲<sup>۶</sup> بود.

1 - Rose Revolution

2 - Mikhael Saakashvili

3 - SU.25

4 - T.54

5 - T.55

6 - T.72

این کشور به تدریج سلاح‌های آمریکایی و رژیم صهیونیستی را جایگزین سلاح‌های روسی کرده است. قراردادهای نظامی میان رژیم صهیونیستی و گرجستان براساس گزارش روزنامه عبری زبان یدیعوت آهارانوت بدین شرح است:

قرارداد فروش هواپیماهای بدون خلبان هرمس ۴۵۰<sup>۱</sup> توسط شرکت «البیت معرخوت». براساس این قرارداد، طرف گرجستانی هواپیماهای بدون خلبان هرمس ۴۵۰ از رژیم صهیونیستی دریافت کرد. این هواپیماها که برای مقاصد اطلاعاتی به کار می‌روند، می‌توانند به مدت بیش از بیست ساعت مداوم در هوا پرواز کنند. سرعت پرواز این هواپیماها ۱۷۰ کیلومتر در ساعت است و می‌توانند دستگاه‌های فیلمبرداری و ارتباطی با وزن ۱۵۰ کیلوگرم را با خود حمل کند.

قرارداد فروش سامانه موشکی متحرک موسوم به لینکس<sup>۲</sup> توسط سازمان صنایع نظامی رژیم صهیونیستی یکی دیگر از این معامله‌های تسلیحاتی است. براساس این قرارداد، طرف گرجستانی سامانه موشکی قدرتمندی را دریافت کرد که توان نشانه‌گیری آن بالا و قیمت آن نیز ارزان است و برای مسافت‌های دوربرد قابل استفاده است. این سامانه موشکی را می‌توان روی کامیون‌ها نصب کرد و اهدافی با فاصله ۴۵ تا ۱۵۰ کیلومتر را هدف قرار داد. دقت نشانه‌گیری این سامانه ۱۰ متر است.

توافق دیگر، پیشرفته‌سازی هواپیماهای سوخوی ۳۲۵<sup>۳</sup> توسط شرکت البیت معرخوت بوده است. براساس این قرارداد، طرف گرجستانی هواپیماهای سوخوی ۲۵ را که توسط رژیم صهیونیستی پیشرفته‌سازی شده است دریافت می‌کنند. این پیشرفته‌سازی شامل نصب کابین‌های مدرن و پیشرفته و نظام‌های دفاعی جدید روی هواپیماهاست که برای مقابله با جدیدترین سلاح‌ها طراحی شده است.

1 - Hermes 450

2 - Linux

3 - SU.25

قرارداد فروش اسلحه تبور توسط سازمان صنایع نظامی رژیم صهیونیستی نمونه دیگر این توافق‌هاست. براساس این قرارداد، گرجی‌ها تفنگ‌های مدرن رژیم صهیونیستی را دریافت کردند که بسیار کوچک و سبک است. (باشگاه اندیشه: ۲۴۰۷۸)

### آذربایجان و ارمنستان

جمهوری آذربایجان نیز روابط خود با آمریکا و رژیم صهیونیستی را به شدت گسترش داده و رویه‌ای جدای از روسیه در پیش گرفته است. این همکاری که در ابتدا بیشتر در حوزه‌های انرژی، بخصوص در دریای خزر در جریان بود به تدریج به حوزه‌های امنیتی نیز کشیده شده و دو کشور روابط خود را گسترش داده‌اند. به دنبال این روابط مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی به عنوان متحد راهبردی آمریکا در منطقه نیز افزایش یافته است.

جمهوری آذربایجان در جهت همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود با رژیم صهیونیستی در ژانویه ۲۰۱۰ جهت توسعه این روابط یک گام دیگر هم برداشته و هیأتی را به سرزمین‌های اشغالی اعزام کرد. این هیأت بلندپایه جمهوری آذربایجان در چارچوب این سفر از پایگاه‌های صنایع نظامی رژیم صهیونیستی بازدید کرد و با مقامات امنیتی - نظامی رژیم صهیونیستی توافقاتی برای گسترش مناسبات نظامی به امضا رساند. سفر این هیأت آذربایجانی به رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که دولت آذربایجان آماده است در روابط خود با این رژیم صهیونیستی به مرحله جدیدی گام نهد و در این مرحله روابط امنیتی - نظامی خود را با اسرائیل در سطح بالایی برقرار کند. در سفر تابستان ۲۰۰۹ شیمون پرز به باکو تفاهمنامه‌هایی در زمینه همکاری‌های امنیتی - نظامی بین دو طرف امضا شد. یکی از این تفاهمنامه‌ها خرید هواپیماهای جنگی بدون خلبان از رژیم صهیونیستی و ساخت کارخانه نظامی است که براساس اعلام منابع خبری رژیم صهیونیستی در این زمینه از چهار سال قبل بین دو طرف گفتگوی پنهانی در جریان است. این سفر در جهت اجرایی شدن قراردادهای مذکور

انجام شد. (خبرگزاری جمهوری اسلامی: ۹۳۸۵۵۴)

سلاح‌های آمریکایی و رژیم صهیونیستی در دکترین نظامی جمهوری آذربایجان جای سلاح‌های روسی را گرفته است. این امر مهم در موافقتنامه‌های دو طرفه که دارای حجم بسیار زیادی است به خوبی مشهود است. ارمنستانی‌ها معتقدند که فروش تجهیزات پیشرفته رژیم صهیونیستی به آذربایجان، ثبات را در منطقه قفقاز از میان می‌برد و باعث فعال شدن فیوز انبار باروت منطقه می‌شود.

رابطه نظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی و... رژیم صهیونیستی با آذربایجان قابل تأمل است. این رابطه را می‌توان در چارچوب «مجمع جهانی رژیم صهیونیستی - آذربایجان» نیز تحلیل کرد. در سال ۲۰۱۰ میلادی آذربایجان به همراه رژیم صهیونیستی ماهواره‌ای اطلاعاتی به فضا پرتاب کرد که خبرگزاری ریانووستی (متعلق به وزارت خارجه روسیه) با عنوان «ماهواره جاسوسی» از آن یاد کرد. (ایراس: ۹۲۵۵)

در شرایطی که جدال آذربایجان و ارمنستان در مناسبات دو کشور اولویت کامل دارد و آذربایجان نزدیکی به غرب را انتخاب کرده است، ارمنستان همچنان روسیه را متحد خود دانسته و از سلاح‌های روسی بهره می‌برد و تغییری در راهبرد این کشور پدید نیامده است.

### آسیای مرکزی

مجموعه‌ای از ترتیبات امنیتی در آسیای مرکزی در حال شکل‌گیری هستند که ممکن است با توجه به دو جانبه و یا چند جانبه بودن به وقوع بپیوندند و یا اینکه با توجه به خصلت‌های نظامی و یا غیرنظامی قابل تشخیص باشند. (آلیسون و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۰) محور این ترتیبات امنیتی در واکنش کشورهای منطقه به تحولات آن با توجه به حضور کشورهای چین و روسیه و حضور آمریکا به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای نهفته است. فقدان متغیرهای قدرت مانند جمعیت، اقتصاد، توانایی نظامی و... باعث انفعال این کشورها در موضع‌گیری شده است.

با آنکه موقعیت اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، به تصمیمات داخلی دولت‌های آن‌ها وابسته است، مجموعه‌ای از مشکلات در داخل منطقه نیز وجود دارد که نخستین گام‌های این کشورهای مستقل را با مشکل مواجه می‌سازد.

هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی خود را به نظام برق مجهز ساخت یا منطقه را آبیاری کرد، سیاست‌های توسعه‌اش هرگز بر این فرض استوار نبود که روزی جمهوری‌های تصنعی آسیای مرکزی به کشورهای مستقل تبدیل شوند؛ از این رو هنگامی که کشورهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۱ با وظیفه ساختن موجودیت‌هایی مستقل مواجه شدند، تماماً به یک فضای مشترک اقتصادی و ژئوپلیتیک پیوند خورده بودند. هیچ یک از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، فشرده‌تر از کشورهای آسیای مرکزی به یکدیگر پیوند نخورده‌اند. این پیوند، هم به دلیل احساس قوی آن‌ها در خصوص اصل و نسب و میراث فرهنگی و مذهبی مشترکشان به وجود آمده و هم به سادگی، به واسطه جغرافیای منطقه شکل گرفته است. (دیوسالار، ۱۳۸۳: ۱)

کشورهای آسیای مرکزی نیز به طور خفیفی سیاست مدرن‌سازی سلاح‌های خود را در پیش گرفته‌اند. اما مشکلی که وجود دارد این است که همه این کشورها به قدرت‌های خارجی وابستگی کامل دارند. این قدرت خارجی معمولاً از بین چین و روسیه انتخاب می‌شود اما باید به نقش ایالات متحده به عنوان قدرت فرامنطقه‌ای نیز اشاره کرد. در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ میلادی، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا در ملاقات با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه گفت که آمریکا به دنبال محکم کردن جای پای خود در منطقه آسیای مرکزی نیست. (Stratfor. Russia) در آن هنگام پیروزی سریع آمریکا در عراق و یکجانبه‌گرایی این کشور باعث ترس و نگرانی عمیق روسیه شده بود و سخنان رایس را باید نوعی دل‌داری به روسیه به حساب آورد. تحولات بعد نشان داد که آمریکایی‌ها به شدت به نفوذ به آسیای مرکزی دل بسته‌اند.

در طی گذشته [۲۰۰۳] آسیای مرکزی از جایی که در آن ایالات متحده



منافع استراتژیک دارد به جایی تبدیل شده است که در آن دارای منافع حیاتی است. درک سیاست‌سازان از ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی آسیای مرکزی این است که آسیای مرکزی به وسیله‌ای برای نفوذ نظامی ایالات متحده به منطقه تبدیل شده است. (Stephen: 172)

این کشورها در دوران اتحاد شوروی نیازی به نیروی نظامی نداشتند و پس از جنگ سرد نیز این نیاز احساس نشده است به همین دلیل شاهد نیروهای نظامی قابل توجهی در منطقه نیستیم. هم اکنون نیز آمار نیروهای این کشورها اندک و با تفکیک به شرح زیر است.

### قزاقستان

توان نظامی قزاقستان نسبت به سایر کشورهای آسیای مرکزی برتری قابل توجهی دارد. نیروی هوایی این کشور شامل ۱۰۰ هواپیما از انواع میگ مانند ۲۰ فروند میگ ۲۱ (MIG-21)، ۳۰ فروند میگ ۲۹ (MIG-29)، ۴۰ فروند میگ ۲۷ (MIG-27)، ۱۴ فروند سوخوی ۲۷ (SU-27)، ۱۴ فروند سوخو (SU-25)، ۲۵ فروند سوخو ۲۴ (SU-24) و ۴۴ فروند بالگرد از نوع MI-8 است. به روشنی می‌توان دید که توان نظامی ازبکستان برتری قابل توجهی نسبت به سایر کشورهای آسیای مرکزی دارد. (Global Security, Air Force) این کشور ۰/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به نیروی نظامی اختصاص داده است. (CIA, Kazakhstan)

تغییر محسوسی در راهبرد نظامی این کشور پس از ۲۰۰۳ به چشم نمی‌خورد و ارتقای توانایی‌ها به فعالیت کیفی بر سازماندهی ارتش به شکل مانورهای مشترک با همسایگان محدود بوده است.

### ترکمنستان

نیروهای نظامی این کشور که در سال ۱۹۹۲ بالغ بر ۱۰۸ هزار نفر بود در طی یک سال (تا آخر سال ۱۹۹۲) به ۵۰ هزار نفر کاهش یافت. این عده در سال

۱۹۹۳ دوباره مورد بازنگری قرار گرفت و به ۳۴۰۰۰ نفر کاهش یافت. در سال ۱۹۹۶ این تعداد به ۱۱۰۰۰ نفر رسید که در یک مرکز فرماندهی و سه واحد موتوری، یک هنگ موشکی، یک واحد مهندسی و یک واحد مخصوص بالگرد تقسیم‌بندی شده بود. در حوزه سلاح‌های دفاعی این کشور دارای موشک ضدتانک از نوع «M-72» و ۱۱۴ سکوی پرتاب موشک است. نیروهای ذخیره این کشور نیز تنها ۵۰ هزار نفر و این موارد به خوبی نشان می‌دهد که ترکمنستان سیاستی برای توسعه نیروهای نظامی خود ندارد. ۳/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور به مخارج نظامی اختصاص یافته است.

سیاست نظامی این کشور با توجه به در پیش گرفتن سیاست بی‌طرفی کاستن از نیروی نظامی بوده و پس از سال ۲۰۰۳ نیز تغییری در آن ایجاد نشده است.

### قرقیزستان

نیروی زمینی این کشور در سال ۱۹۹۶ متشکل از ۷۰۰۰ نفر بود که بسیار اندک به نظر می‌رسید. در سال ۱۹۹۴ نزدیک به ۳۰ درصد از افسران این کشور را روس‌ها تشکیل می‌دادند که به تدریج از تعداد آن‌ها کاسته شده است. در مناسبات مرزی با چین نیز این کشور نقش زیادی را به چینی‌ها واگذار کرده است که نشان می‌دهد از وارد کردن قدرت‌های بیگانه به مناسبات امنیتی خود برای اهدافی مانند کاستن از هزینه‌های نظامی استفاده می‌کند. آن‌ها همچنین پایگاه ماناس را نیز در اختیار نیروهای آمریکایی قرار داده‌اند که تأییدی بر این مدعاست. این کشور کم‌ترین نیروی نظامی را در منطقه آسیای مرکزی در اختیار دارد.

نیروی هوایی این کشور به دلیل دکترونی که برای نیروهای نظامی خود تعریف کرده و همچنین محدودیت‌هایی که در صرف منابع مالی دارد، آنچنان توسعه پیدا نکرده است. نیروی هوایی این کشور بیش از هر چیز متشکل از میگ‌های ۲۱ روسی است که به دوران اتحاد شوروی بازمی‌گردد. در سال ۱۹۹۰ این کشور ۱۰۰ فروند از آن‌ها را در اختیار داشت. این کشور در حوزه دفاع هوایی، ۲۶ فروند موشک زمین به

هوای سام از انواع «SA-2» و «SA-3» در اختیار دارد. ۱/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور به مخارج نظامی اختصاص داده شده است. پس از ۲۰۰۳ تغییری در راهبرد نظامی این کشور به وجود نیامده است.

### تاجیکستان

نیروی هوایی تاجیکستان نیز قدیمی و فاقد کیفیت لازم است. ناوگان این کشور متشکل است از ۱۰ فروند میگ - ۱۲۴ قدیمی است که توانایی کافی برای رویارویی با خطرات امروزی ندارد. نیروی زمینی این کشور نیز دارای ۴۴ فروند تانک تی - ۷۲ است. اگرچه این تانک قابلیت‌های مناسبی دارد اما با توجه به تولید تانک‌های جدید و مدرن قابل اعتنا نیست. در دفاع ضدهوایی نیز تاجیکستان به سامانه موشک سام «SA-2» و «SA-3» مجهز است. این کشور همچنین بیش از ۷۰۰ تانک تی - ۷۲ در اختیار دارد. ۳/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی تاجیکستان به مخارج نظامی اختصاص دارد. پس از سال ۲۰۰۳ تغییر چندانی، غیر از مانورهای صلح در چارچوب سازمان همکاری شانگهای روی نداده است.

### ازبکستان

نیروهای نظامی این کشور بالغ بر ۴۰۰۰۰ نفر است که از نظر کیفیت تجهیزات از سایر کشورهای آسیای مرکزی غیر از قزاقستان در شرایط بهتری قرار دارد. نیروی هوایی ازبکستان نیز از تجهیزات بهتری برخوردار است. این کشور ۳۰ فروند میگ ۲۹ (MIG-29)، ۲۵ فروند سوخو ۲۷ (SU-27)، ۲۰ فروند سوخو ۲۵ (SU-25)، ۲۳ فروند سوخو ۲۴ (SU-24)، ۸۳ فروند بالگرد از انواع «Mi-24»، «Mi-8T» و «Mi-6AYa» در اختیار دارد. (Global Security, Air Force) ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور

---

1 - MIG.24

به مخارج نظامی اختصاص دارد. (CIA, Uzbekistan) در سیاست نظامی این کشور پس از سال ۲۰۰۳ تغییر چندانی به چشم نمی خورد.

بررسی جامع کشورهای آسیای مرکزی با توجه به تسلیحات نظامی آن‌ها نشان می‌دهد که از دکترین نظامی اتحاد شوروی پیروی می‌کنند با این تفاوت که دارای سلاح‌های عقب افتاده‌تری هستند. این امر مهم در مورد کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان بیشتر صادق است تا قزاقستان و ازبکستان، کم اهمیت بودن توان نظامی در آسیای مرکزی نشان دهنده موضوعات زیادی است که مهم‌ترین آن‌ها به ضعف این واحدهای سیاسی و کوچک بودن اقتصاد آن‌ها باز می‌گردد. مجموع نیروهای آن‌ها به چنان قدرت قابل توجهی تبدیل نخواهد شد که بتواند مشکلات آن‌ها را با توجه به قدرت‌های رودرو برطرف نماید.

حوادث ۱۱ سپتامبر باعث ورود آمریکا به این منطقه از طریق پایگاه هوایی ماناس شد. ناتو در سال ۲۰۰۸ نزدیک به ۱۷۰ هزار سرباز و بیش از ۵ هزار تن بار را به تناوب از خاک قرقیزستان به افغانستان ارسال کرد و یا از این کشور بازگرداند که این مسئله در سال ۲۰۰۹ نیز همچنان ادامه یافت.

از سال ۲۰۰۱ تاکنون تفاوت غیرعادی در سیاست نظامی کشورهای آسیای مرکزی به چشم نمی‌خورد و این کشورها همچنان به تلاش برای استفاده از ظرفیت همسایه‌های ثروتمندشان برای بهبود امور اقتصادی خود ادامه می‌دهند و به سیاست نظامی‌گری روی نیاورده‌اند. چین نیز به این خواسته پاسخ داده و سرمایه‌گذاری در قزاقستان را به عنوان مهم‌ترین کشور این منطقه در پیش گرفته است. این کشورها به خوبی می‌دانند که فاقد چنین ظرفیت‌هایی برای مقابله با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ضعیف هستند و ترجیح داده‌اند با موضوع واقع‌بینانه برخورد کنند. گرایش به سمت تسلیحات نظامی و ارتقای توانایی‌های دفاعی و امنیتی نیازمند منابع مالی قابل توجهی است که از توان کشورهای فقیر آسیای مرکزی خارج است. تولید ناخالص داخلی آن‌ها پایین است و نمی‌توانند به طور جدی به امور دفاعی و امنیتی بپردازند. قزاقستان با ۲۳ میلیارد دلار

بالاترین تولید ناخالص داخلی را در آسیای مرکزی داراست و این رقم درباره کشورهای تاجیکستان و قزاقستان به ترتیب به ۵/۱۳ و ۴/۴۲ میلیارد دلار می‌رسد. (World Bank)

### نتیجه‌گیری

روسیه پس از سال ۲۰۰۳ و در مواجهه با یکجانبه‌گرایی آمریکا بر افزایش توان نظامی خود تأکید کرده است. برای کشورهای آسیای مرکزی این مسئله به گونه دیگری است. آن‌ها به دلیل اقتصادهای کوچک توانایی تحمل مخارج نظامی بالا را ندارند. در دکترین نظامی آن‌ها تغییر چندانی به چشم نمی‌خورد و همچنان به سلاح‌های قدیمی روسی خود متکی هستند. تنها اقدام آن‌ها برای افزایش قابلیت‌های نظامی، شرکت در مانورهای مشترک در چارچوب سازمان همکاری شانگهای بوده است. در منطقه قفقاز هر سه کشور بزرگ آن درگیر رقابت‌های شدیدی هستند که گرجستان و آذربایجان با حرکت به سمت ایالات متحده با استفاده از سلاح‌های رژیم صهیونیستی و آمریکایی سعی در بازسازی نیروهای نظامی خود دارند اما ارمنستان به اتحاد خود با روسیه پایبند است.

### منابع

- 1 - Byzoltan Grossman, War in the Caucasus <http://academic.evergreen.edu/g/grossmaz/War%20in%20the%20Caucasus>
- 2 - Aude Merlin North Caucasus Since the Russian-Georgian War of Summer 2008: between endogenous Conflicts and Regional Instability, [http://www.ispionline.it/it/documents/PB\\_159\\_2009.pdf](http://www.ispionline.it/it/documents/PB_159_2009.pdf)
- 3 - Oksana Antonenko, The War in the Caucasus: Causes and Strategic Implications, <http://www.informaworld.com/smpp/content~content=a9078357019&db=all>
- 4 - Rick Rozoff, Caucasus: The War That Was, The World War That Might Have Been, [http://www.gab-ibn.com/IMG/pdf/Re10\\_Caucasus\\_The\\_War\\_That\\_Was\\_The\\_World\\_War\\_That\\_Might\\_Have\\_Been.pdf](http://www.gab-ibn.com/IMG/pdf/Re10_Caucasus_The_War_That_Was_The_World_War_That_Might_Have_Been.pdf)
- 5 - Nikolai Sokov, Instability in South Caucasus and the War against Terrorism, [http://csis.org/files/media/csis/pubs/pm\\_0247.pdf](http://csis.org/files/media/csis/pubs/pm_0247.pdf)
- 6 - Rick Rozoff, Afghanistan, the Baltics and Caucasus: NATO and the west extending the war beyond their borders <http://www.ima.org.za/publications/Afghanistan%20Wars.pdf>
- 7 - R. Craig Nation, Russia, THE UNITED STATES, AND THE CAUCASUS <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdffiles/pub764.pdf>
- 8 - Stratfor. **Russia: The Nuclear Umbrella and the CSTO.** [http://www.Stratfor.com/analysis/20100225\\_russia\\_nuclear\\_umbrella\\_and\\_csto](http://www.Stratfor.com/analysis/20100225_russia_nuclear_umbrella_and_csto) **Russian Armed Forces to acquire new Drones in 2010**, RIA Novosti, Acces At: <http://rian.ru/russia/2009028/150009837.html>, 28/04/2009.
- ۹ - پوتین: روسیه بیش از ۴۰ میلیارد دلار تسلیحات خریداری می کند. خبرگزاری جمهوری

اسلامی، <http://www.iran.ir/View/FullStory/?NewsId=82290>

- 10 - Stratfor, **Russia: Tanks and the Modernization of the Military**, Acces At: <http://www.stratfor.com/analysis/20100226.russia.tanks.and.modernization.military>
- 11 - Alexander G. Larin, **Russia plus China: Removing the US Superpower from Central Asia?** , Acces At: <http://www2.tku.edu.tw/~ti/journal/9.3/933.pdf,p3>
- 12 - Susan Turner, **Russia, China and A Multipolar World Order: The Denger in the Undefined**, Acces At: <http://www.asianpective.Org/articles/v33n1.f.pdf,p4>
- 13 - **United States: Likely To Help Georgia Rebuild Military**, Stratfor, Acces At: <http://www.stratfor.com/sitrep/united.states.likely.help.georgin.rebuild.military>
- ۱۴ - ردپای اسرائیل در بحران گرجستان، باشگاه اندیشه، <http://www.bashgah.net/pages.24078.html>
- ۱۵ - افشای روابط پنهان جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی، خبرگزاری جمهوری اسلامی <http://www.iran.ir/View/FullStory/?NewsId=938554>
- ۱۶ - روسیه و اسرائیل؛ هم دوست، هم دشمن، ایراس، <http://www.iran.ir/fa/pages/?cid=9255>
- ۱۷ - روی آلسون و لنا جانسون، امنیت در آسیای مرکزی، (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۲)
- ۱۸ - مجید دیوسالار، آسیای میانه؛ پیوستگی ژئوپلتیک و قدرت های منطقه‌ای، <http://hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.asp?Ip=40400&PageNum=1>
- 19 - **Russia: No More U.S.Bases In Central Asia**, Stratfor. Acces At: <http://www.stratfor.com/russia.no.more.u.s.bases.central.asia>
- 20 - Stephen j.Biank, **Central Asia's Strategic Revolution**, Stratfor, Acces At: <http://www.nbr.org/publications/element.aspx?id=172>
- 21 - **Air Force Equipment**, Global Security. Acces At: <http://www.globalsecurity.Org/military/world/centralasia/kazak.af.equipment.htm>
- 22 - Kazakhstan, **Central Intelligence Agency**, Acces At:<http://www.cia.gov/library/publications/the.world.factbook/geos/kz.html>
- 23 - **Air Force**, <http://www.globalsecurity.org/military/world/centralasia/uzbekairforce.htm>
- 24 - **Uzbekistan**, Central Intelligence Agency, Acces At: <http://www.cia.gov/library/publications/the.world.factbook/geos/kz.html>
- 25 - **Data Finder**, The World Bank, <http://datafinder.worldbank.Org/world.bank.data.finder>

